

مرحوم آخوند در این باره می‌نویسد:

«ثم لا وجه لتخصيص المعلق بما يتوقف حصوله على أمر غير مقدور بل ينبغى تعميمه إلى أمر مقدور متأخر أخذ على نحو يكون مورداً للتكليف و يترشح عليه الوجوب من الواجب أو لا لعدم تفاوت فيما يهمله من وجوب تحصيل المقدمات التي لا يكاد يقدر عليها في زمان الواجب على المعلق دون المشروط لثبوت الوجوب الحالي فيه فيتشرح منه الوجوب على المقدمة بناء على الملازمة دونه لعدم ثبوته فيه إلا بعد الشرط.

نعم لو كان الشرط على نحو الشرط المتأخر و فرض وجوده كان الوجوب المشروط به حالياً أيضاً فيكون وجوب سائر المقدمات الوجودية للواجب أيضاً حالياً و ليس الفرق بينه و بين المعلق حينئذ إلا كونه مرتبطاً بالشرط بخلافه و إن ارتبط به الواجب.»^۱

توضیح:

۱. دلیلی ندارد که بگوئیم واجب معلق آن است که: متوقف است بر امر غیر مقدور (وقت).
۲. بلکه اگر واجبی متوقف باشد بر مقدمه‌ای آن هم معلق است. (تعمیم مقدمه به هر مقدمه‌ای که مقدور است ولی اگر بخواهد انجام شود باید با تأخر انجام شود).
۳. فرقی هم نمی‌کند که آن مقدمه، واجب باشد شرعاً مثل وضو یا نباشد مثل حرکت برای رفتن به وضو خانه.
۴. چراکه ملاک واجب معلق آن بود که بگوئیم علی‌رغم اینکه واجب در آینده انجام می‌شود اما وجوبش هست و مقدماتش لازم الاجرا هستند.
۵. به خلاف واجب مشروط که تا شرط نیاید وجوبی حاصل نمی‌شود.
۶. البته اگر در واجب مشروط، شرط را به نحو شرط متأخر گرفتیم یعنی گفتیم «لحاظ شرط» شرط است، از لحظه اولیه وجوب پدید می‌آید.
۷. در این صورت فرق بین واجب مشروط و مطلق در این است که در آنجا وجوب مرتبط با لحاظ شرط است ولی در معلق، مرتبط نیست (ولی هر دو وجوب فعلی است).
۸. [مرحوم قوچانی بنا بر نقل منتهی الدرایه ج ۲ ص ۲۰۰، عبارت مرحوم آخوند را چنین نقل کرده است که «...اخذ على نحو لا يكون مورداً للتكليف و يترشح عليه الوجوب من الواجب لعدم...» با این عبارت کلام

۱. کفایة الأصول (طبع آل البیت)، ص ۱۰۳.



مرحوم آخوند چنین می‌شود هر واجب نسبت به هر مقدمه‌ای که تکلیف با آن تعلق نگرفته و فقط وجوب مقدمی دارد (یا بگوئیم مراد «لا یترشح» است یعنی وجوب ندارد) معلق است.]

وقوع واجب معلق:

برخی از بزرگان علاوه بر اینکه امکان واجب معلق را پذیرفته‌اند به وقوع آن نیز اشاره دارند. ایشان می‌نویسد:

«بل قيل: انه بالإضافة إلى إمكانية ثبوتها واقع إثباتا، فلا يتجه إنكاره، و ذلك في موارد ثلاثة:

الأول: الواجبات التدريجية المقيدة بالزمان كالصوم، فان الوجوب متعلق بالجزء الأخير من الإمساك، و هو الإمساك في الجزء الأخير من النهار- متعلق به- من أول الفجر. و نظير الصلاة من أول الوقت، فان الوجوب متعلق بآخر جزء منها المقيد بمضى زمان جميع الأجزاء السابقة عليه- متعلق به- من حين دخول الوقت، لأن المفروض وحدة الوجوب و الواجب في كلا الموردین فيلزم الفصل بين الوجوب و الواجب. الثاني: الواجبات التدريجية غير المقيدة بزمان معين كالصلاة أثناء الوقت، فان الوجوب يتعلق بالجزء الأخير منها من حين الابتداء بها.

الثالث: الواجبات التي يكون لها مقدمات يتوقف عليها حصولها، إذ الوجوب متعلق بالواجب قبل الإتيان بمقدماته، مع انه لا يمكن الإتيان به قبلها، فيلزم الفصل بين الوجوب و الواجب و هو الواجب المعلق الذي يدعى امتناعه.»^۱

توضیح:

۱. سه مورد واجب معلق در شرع وارد شده است.
۲. نوع اول: واجبات تدریجی مقید به زمان مثل روزه، چراکه وجوب امساك در ساعات آخر روز از اول روز پدید آمده است. و مثل نماز که در اول وقت خوانده شود، که وجوب تشهد و سلام از اول وقت هست در حالیکه از نظر زمانی انجام آنها پس از انجام اجزاء اولیه نماز است.
۳. نوع دوم: واجبات تدریجی غیر مقید به زمان: در نمازی که در وسط وقت خوانده می‌شود وجوب تشهد و سلام در آنها از لحظه شروع نماز هست.

۱. منتقى الأصول، ج ۲، ص ۱۶۷.*



۴. نوع سوم: واجباتی که دارای مقدمات است (پس وجوب از اول هست ولی واجب را باید با فاصله انجام داد چراکه باید مقدمات را قبل از آن انجام داد.

۵. [ما می‌گوئیم: فرق نوع دوم و اول آن است که در نوع اول نماز از اول وقت واجب است پس وجوب از اول وقت می‌آید، اولی جزء نماز با آن هم‌زمان است ولی اجزاء بعدی فاصله دارد ولی در نوع دوم سخن درباره «وجوب عدم قطع صلوة» است (حرمت قطع) یعنی فرض کنیم وجوب نماز در همان لحظه‌ای است که شما شروع به نماز می‌کنید، حال اگر شروع کردید، جزء آخر واجب می‌شود در حالیکه زماناً از وجوب موخر است.]

